

بررسی رابطه بین گزارشگری حسابرسان و کیفیت اقلام سود تعهدی با استفاده از تکنیک داده‌های تلفیقی در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۱۲/۵

محمد رضا طهماسبیان^۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۲/۲۰

دکتر بامداد پرتوی^۲

چکیده

سرمایه‌گذاران جهت اتخاذ تصمیمات اقتصادی به اطلاعات سودمند نیازمند هستند. کیفیت سود و نهایتاً قابل اتکا بودن ویژگی است که می‌تواند منجر به اطلاعات سودمند برای سرمایه‌گذاران شود. می‌توان انتظار داشت که بین کیفیت سود و نوع اظهارنظر حسابرسان رابطه معنی‌داری وجود داشته باشد. بدیهی است که کشف رابطه بین این دو عامل می‌تواند نشان‌دهنده نوع اظهارنظر و میزان مدیریت سود در شرکتها باشد. رابطه‌ای که منجر به شناسایی نقش جدید حسابرسان در کشف مدیریت سود می‌شود. لذا در این تحقیق رابطه کیفیت سود که با استفاده از مدل جونز اندازه‌گیری می‌شود با نوع اظهارنظر حسابرسان مورد بررسی قرار می‌گیرد. همچنین جهت بررسی تأثیر ویژگیهای شرکتی بر میزان این ارتباط از مدل‌های رگرسیونی استفاده شده است. تحقیق یاد شده از نوع مطالعه توصیفی - همبستگی مبتنی بر تحلیل داده‌های تلفیقی است. در این راستا ۶۲۵ سال-شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در طی دوره زمانی ۸۷-۱۳۸۳ بطور نمونه‌ای انتخاب گردیده‌اند و به منظور آزمون فرضیه‌های تحقیق از آماره‌های T ، F و دوربین واتسن، استفاده شده است. نتایج بیانگر وجود رابطه‌ای مثبت، بین اظهارنظرهای مشروط با بند توضیحی در خصوص تداوم فعالیت و کیفیت سود در سطح اطمینان ۹۵ درصد است و ویژگیهای شرکتی تأثیری بر میزان و جهت این ارتباط ندارد و تنها همبستگی بین این متغیرها را قویتر می‌نماید.

واژگان کلیدی: کیفیت سود، اقلام تعهدی، مدیریت سود، اظهارنظرهای حسابرسی

۱- مقدمه

تغییرات بنیادی سالهای گذشته در اقتصاد ایران از یک سو و رشد و توسعه بنیادهای اقتصادی در کنار پیچیده شدن معاملات تجاری و سیستم‌های اطلاعاتی از سوی دیگر، نیاز به اطلاعات مربوط و قابل اتکا برای تصمیم‌گیری در حوزه‌های مختلف را بیش از پیش نمایان ساخته است. (ارباب سلیمانی و نظری، ۱۳۷۸) گزارشگری مالی بعنوان عمده‌ترین وسیله انتقال اطلاعات مالی به سرمایه‌گذاران نقش مهمی در این راستا ایفا می‌کند.

سود حسابداری و اجزای مربوط به آن از جمله مهمترین اطلاعاتی است که در هنگام تصمیم‌گیری توسط افراد در نظر گرفته می‌شوند. اگر چه سود حسابداری گزارش شده بر مبنای تعهدی، ارزیابی دقیق تری از عملکرد واحد تجاری و وضعیت مالی آن فراهم می‌کند ولی بدلیل وجود تضاد منافع در

۱- عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر، نویسنده مسئول مکاتبات

۲- عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر

بین مدیران و سرمایه‌گذاران و وجود پاره‌ای از محدودیت‌های ذاتی حسابداری از جمله نارسایی موجود در فرآیند برآوردها و امکان استفاده از روشهای متعدد حسابداری توسط شرکت امکان دستکاریⁱ سود توسط مدیران فراهم آمده است، به همین دلیل در ادبیات حسابداری قابل اتکابودن و مفیدبودن اقلام تعهدی به شدت مورد تردید قرار گرفته است.

مدیران از روشهای مختلفی جهت دستکاری سودⁱⁱ استفاده می‌کنند. یکی از این روشها دستکاری اقلام تعهدیⁱⁱⁱ است که منجر به کاهش کیفیت سود گزارش شده می‌شود.

از طرف دیگر عدم تقارن اطلاعاتی بین استفاده‌کنندگان و مدیران سبب شده تا شرکت‌ها هزینه‌های نمایندگی را متحمل شوند، هزینه‌ای که ضرورت حسابرسی را ایجاد می‌کند. حسابرسی از طریق اعتباردهی به صورت‌های مالی موجب می‌شود تا قابل اتکابودن اطلاعات گزارش شده افزایش یافته و هزینه‌های نمایندگی کاهش یابد. این عمل در چارچوب یک فرآیند سیستماتیک با جمع‌آوری شواهد و مدارک لازم و بررسی ادعاهای مدیران که در قالب اطلاعات صورتهای مالی ارائه می‌شود، پرداخته و به اظهارنظر در خصوص قابلیت اتکای اطلاعات می‌پردازد. لذا در این تحقیق سعی شده است که ارتباط بین نوع اظهارنظر حسابرسان با کیفیت سود گزارش شده، از طریق اقلام تعهدی غیرعادی بررسی گردد.

۲- ضرورت انجام تحقیق

تغییرات بنیادی محیط اقتصادی ایران به سبب عمومی‌شدن مالکیت بنگاههای اقتصادی، تأمین مالی از طریق مشارکت عمومی و خصوصی‌سازی بخش‌های دولتی و بنگاه‌های تحت پوشش موجب گردیده که نیاز به اطلاعات مالی به منظور تصمیم‌گیری‌های بهینه اقتصادی ضرورت یابد. اطلاعات مالی مورد نیاز سرمایه‌گذاران بعنوان عمده‌ترین استفاده‌کنندگان اطلاعات عمدتاً از طریق انتشار صورتهای مالی توسط مدیریت واحد تجاری ارائه می‌گردند.

هدف اصلی گزارشگری مالی ارائه اطلاعات مورد نیاز سرمایه‌گذاران در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی است و سرمایه‌گذاران بمنظور اتخاذ تصمیمات بهینه اقتصادی مناسب، نیاز به اطلاعات قابل اتکا در تصمیم‌گیری دارند. اکثر این سرمایه‌گذاران از سود گزارش شده بعنوان مبنایی برای تصمیم‌گیری استفاده می‌نمایند. از آنجا که مطابق با استانداردهای پذیرفته شده حسابداری، سودها بر مبنای تعهدی‌اندازه‌گیری می‌شوند و در محاسبه سود از پیش‌بینی‌ها و برآوردها بیشتر استفاده می‌شود، لذا مدیران فرصت بیشتری جهت دستکاری اطلاعات گزارش شده دارند. همچنین هنگامی که شرکت‌ها در وضعیت نامطلوب اقتصادی تحت فشار فزاینده قرار می‌گیرند، مدیران آنها سعی در بهبود اطلاعات ارائه شده از جمله سود نموده و بدین وسیله محتوای اطلاعاتی آن را تغییر می‌دهند. لیکن سرمایه‌گذاران به اطلاعاتی نیازمند هستند که قابل اتکا و مفید در تصمیم‌گیری باشند.

استفاده‌کنندگان صورتهای مالی زمانی می‌توانند به اطلاعات منعکس شده در صورتهای مالی اتکا نمایند که بطور نسبی از شفافیت (عاری از تحریف بودن) اطلاعات مذکور اطمینان داشته باشند. در حال حاضر حسابرسان مستقل اصلی‌ترین گروه حرفه‌ای در جامعه می‌باشند که بعنوان یک عامل

نظارتی با اعتبار بخشی به صورتهای مالی برای استفاده کنندگان اطلاعات، اطمینان نسبی در خصوص شفافیت گزارشات مالی، فراهم می‌آورند.

یکی از روشهایی که برای ارائه گزارشی مطلوب از عملکرد شرکت مورد استفاده قرار می‌گیرد، مدیریت سود می‌باشد. مدیریت سود به مداخله عمومی مدیریت در فرایند تعیین سود که غالباً در راستای اهداف دلخواه مدیریت می‌باشد، اطلاق می‌گردد (ارباب سلیمانی و نظری، ۱۳۷۸). به عنوان مثال، هموار نمودن سود برای جلب اطمینان بیشتر سرمایه‌گذاران از ثبات سود گزارش شده، نمونه ای از دستکاری داده‌ها محسوب می‌شود. این قبیل اقدامات ممکن است داده‌های موجود در صورتهای مالی را به میزان قابل ملاحظه ای تحت تأثیر قرار دهد.

سرمایه‌گذاران در تصمیمات خود علاوه بر کمیت اطلاعات، کیفیت آن را نیز مدنظر قرار می‌دهند، لذا می‌توان گفت مربوط بودن سود حسابداری بعنوان یکی از اقلام با اهمیت برای سرمایه‌گذاران، به کیفیت آن بستگی دارد. از طرف دیگر وظیفه اعتباردهی حسابرسان سبب می‌شود تا حسابرسان در گزارشگری خود به کیفیت سود گزارش شده توجه بیشتری نمایند. از آنجایی که گزارشهای حسابرسی، نتیجه یک فرآیند غیرقابل مشاهده تحت عنوان حسابرسی است که در آن حسابرسان از طریق اظهارنظر خود به صورتهای مالی اعتبار می‌بخشند. لذا بررسی ارتباط بین چگونگی کیفیت سود و نحوه گزارشگری حسابرسان موضوعی قابل بررسی است. در سالهای اخیر، تحقیقات زیادی ارتباط بین اقلام تعهدی حسابداری^{iv} و وجود گزارشهای غیرمقبول^v را مورد آزمون قرار داده‌اند. هدف اکثر این تحقیقات بررسی این موضوع بوده است که آیا مدیریت سود، احتمال دریافت گزارش حسابرسی غیرمقبول را افزایش می‌دهد یا خیر؟ کشف این رابطه از آن جهت مهم است، که اگر فرض شود، حسابرسان در نوع اظهارنظر خود مدیریت سود را مدنظر قرار داده‌اند، می‌توان انتظار داشت که بین گزارشهای حسابرسی و کیفیت سود ارتباطی وجود داشته باشد.

لذا در این تحقیق سعی شده است که رابطه بین نوع اظهارنظر حسابرسان با کیفیت سود از طریق اقلام تعهدی غیرعادی بررسی گردد و بطور غیرمستقیم از نتایج این تحقیق می‌توان به رابطه بین نوع اظهارنظر حسابرسان و مدیریت سود پی برد.

۳- مرور ادبیات تحقیق

سود حسابداری به دو روش نقدی و تعهدی قابل اندازه‌گیری می‌باشد، از آنجا که سود تعهدی مشکلات زمان بندی^{vi} و عدم تطابق^{vii} نهفته در ارقام وجوه نقد را کاهش می‌دهد، لذا معیار مناسب تری برای ارزیابی عملکرد شرکت بوده و در فرآیند ارزش‌گذاری نقش مهمی را ایفا می‌کند. از آنجا که در مبنای تعهدی لزوماً شناسایی درآمدها و هزینه‌ها همراه با دریافت و پرداخت وجوه نقد نبوده، و در محاسبه سود نیز از پیش‌بینی‌ها و برآوردها استفاده می‌شود، لذا مدیران از فرصت بیشتری برای دستکاری سود تعهدی برخوردار می‌شوند.

مدیران در سیستم حسابداری تعهدی، با گزینه‌های متفاوتی در مورد زمان شناخت درآمدها، از جمله شناسایی سریعتر درآمد از طریق انجام فروشهای نسیه روبرو هستند. این گونه عملکرد مدیران را می‌توان به عنوان «مدیریت سود» تلقی کرد. برتری سود تعهدی به میزان در دسترس بودن انواع

مختلف روشهای اختیاری حسابداری و کیفیت حسابرسی بستگی دارد. بدین گونه که با افزایش کیفیت حسابرسی و کاهش آزادی عمل مدیران در استفاده از روشهای حسابداری میزان دستکاری سود تعهدی کاهش و در نتیجه کیفیت سود افزایش می‌یابد. (عرب‌مازار یزدی و همکاران، ۱۳۸۵)

اختیار عمل مدیران در استفاده از اصول تحقق و تطابق ^{vii} و استفاده از برآوردها و پیش‌بینی‌ها از جمله عواملی است که « کیفیت سود » را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

کیفیت سود را می‌توان از سه منظر مورد بررسی قرار داد: ثبات سود ^{ix}، میزان اقلام تعهدی ^x و سودی که منعکس کننده معاملات اقتصادی مربوط است. (McNichals, M. ۲۰۰۲) ثبات سود به معنای تکرار پذیری (استمرار) سود جاری است. بالابودن ثبات سود بدان معناست که شرکت توان بیشتری برای حفظ سودهای جاری دارد و در نتیجه فرض می‌شود کیفیت سود شرکت بالاتر است. (ثقفی و کردستانی، ۱۳۸۳)

چان ^{xi} و همکارانش در مطالعه‌ای رابطه بین اقلام تعهدی (تفاوت بین سود و جریان‌های نقدی) با بازده آتی سهام را بررسی کرده و نشان دادند که بازده سهام شرکت‌هایی که اقلام تعهدی بالاتری داشته‌اند، در دوره بعد از گزارش‌گیری اطلاعات مالی، کاهش می‌یابد. (chan et.al., ۲۰۰۶)

همان طور که از تعریف مدیریت سود بر می‌آید، مدیران برای دستیابی به اهداف خاصی که عمدتاً منافع عده‌ای خاص را تأمین می‌کند، سود را به گونه‌ای گزارش می‌کنند که با هدف تأمین منافع عمومی استفاده کنندگان مغایرت دارد. لذا حساب‌برسان وظیفه دارند نسبت به صورت‌های مالی در چارچوب استانداردهای حسابداری، اظهارنظر نمایند، در حالی که استانداردهای حسابداری نیز در بعضی موارد اختیار عمل مدیران را برای انتخاب روشهای حسابداری افزایش داده است. در واقع مشکل از آنجایی ناشی می‌شود که مدیریت سود در بعضی مواقع باعث گمراه کننده شدن صورت‌های مالی می‌شود، در حالی که صورت‌های مالی از نظر قرار گرفتن در چارچوب استانداردهای حسابداری مشکلی نداشته باشند، حساب‌برسان از این نظر نمی‌توانند بر صورت‌های مالی ایراد بگیرند. پس با توجه به این موضوع که سود یکی از مهمترین عوامل در تصمیم‌گیری‌هاست. آگاهی استفاده کنندگان از قابل اتکابودن سود می‌تواند آنها را در اتخاذ تصمیمات بهتر یاری دهد. (Stolowy.f Bereton , ۲۰۰۴)

روش‌های متعددی به منظور هموارسازی سود وجود دارد. از جمله روش‌های هموارسازی که بوسیله محققین مورد آزمون قرار گرفته‌اند تغییر در روش‌های استهلاک، (Archibald, ۱۹۶۷) اقلام غیرمترقبه، روش بهای تمام شده در مقابل ارزش ویژه، (Barefield & Domiskey, ۱۹۷۲) مخارج بازنشستگی، (Beidleman, ۱۹۷۳) مخارج تحقیق و توسعه، کل اقلام تعهدی [۹] و اقلام تعهدی اختیاری [۱۱] می‌باشد. بررسی جامعی در مورد تحقیقات هموارسازی سود، توسط مک نیکلاس ^{xii} در سال ۲۰۰۰ صورت گرفته، که مطالعات انجام شده راجع به هموارسازی سود را جمع بندی نموده و نتیجه‌گیری نمود که پیشرفت‌های آتی در ادبیات مدیریت سود، بیشتر از طریق بکارگیری آزمونهای اقلام تعهدی خاص حاصل خواهد شد.

مطالعات قبلی نشان می‌دهند که مدیران از طریق انتخاب سیاست‌های خاص حسابداری، تغییر در برآوردهای حسابداری و مدیریت ارقام تعهدی، سودهای گزارش شده را تعدیل می‌کنند. الیترز^{xiii} و یاری^{xiv} بیان می‌کنند که مدیران، سودها را توسط انتخاب و تغییر رویه‌های حسابداری دستکاری می‌کنند.

جونز در سال ۱۹۹۱ تفاوت بین سود و وجوه نقد حاصل از عملیات را بعنوان ارقام تعهدی تعریف می‌کند و آن را به دو بخش: ارقام تعهدی غیراختیاری^{xv} (ارقام تعهدی ذاتی^{xvi}) و ارقام تعهدی اختیاری^{xvii} تفکیک می‌کند، که در تمامی تحقیقات مرتبط با ارقام تعهدی، این طبقه بندی مورد پذیرش قرار گرفته است.

هدف از این تحقیق ارزیابی توانایی متغیرمدلهای ارقام تعهدی اختیاری برای تعیین مدیریت سود است که بوسیله یک مدل تعریف شده است و احتمال دریافت گزارش حسابرسی غیرمقبول در این شرکتها بالاتر می‌باشد. قدر مطلق ارقام تعهدی اختیاری بالاتر ایجاد شده بوسیله این مدل نشان‌دهنده مدیریت سود می‌باشد که، احتمال دریافت گزارش حسابرسی غیرمقبول را افزایش می‌دهد.

بنابراین در سیستم حسابداری تعهدی، مدیریت توانایی دارد عمداً روشهای حسابداری را برای گزارش یک سود پیش بینی شده انتخاب کند. از آنجا که مدیران از ارقام تعهدی اختیاری، بعنوان ابزاری برای دستکاری سود استفاده می‌کنند، بنابراین در این تحقیق ارقام تعهدی اختیاری، بعنوان شاخص مدیریت سود تعیین شده و از آنجا که دستکاری وجه نقد حاصل از عملیات به راحتی انجام پذیر نیست، لذا در این تحقیق فرض می‌شود مدیران از طریق دستکاری ارقام تعهدی، سود را مدیریت می‌کنند و از آنجا که اندازه‌گیری هموارسازی سود با استفاده از ارقام تعهدی اختیاری عمدتاً مبتنی بر مدل جونز می‌باشد (Healy, ۱۹۸۵) ما نیز از مدل جونز برای برآورد ارقام تعهدی اختیاری استفاده می‌کنیم.

بخشی از عملیات شرکتها به روابط نمایندگی بین سهامداران و مدیران مربوط می‌شود. در واقع، تفکیک مالکیت از مدیریت شرکت ممکن است به تضاد منافع منجر شود و هزینه‌های نمایندگی ناشی از این تضاد منافع بین مدیران و سهامداران را بوجود آورد. (مشایخی و اسماعیلی، ۱۳۸۵) با در نظر گرفتن اینکه میزان قابل توجهی از اطلاعات مورد نیاز استفاده کنندگان توسط مدیریت واحد تجاری تهیه و گزارش می‌شود، حصول اطمینان نسبی از کیفیت این اطلاعات ضروری به نظر می‌رسد. تئوری‌های موجود به ویژه تئوری نمایندگی^{xviii} بیانگر تضاد منافع میان مدیران و مالکان می‌باشد که انگیزه لازم برای مدیریت در جهت حداکثر نمودن منافع خود را فراهم کرده و ممکن است تحریف صورتهای مالی و نهایتاً زیان سرمایه‌گذاران را در بر داشته باشد. در این شرایط وجود یک مکانیسم کنترلی که بطور نسبی تضمین کننده شفافیت اطلاعات گزارش شده در صورتهای مالی باشد، ضرورت می‌یابد. این مکانیسم کنترلی در قالب حسابرسی مالی و توسط حسابرسان مستقل ارایه می‌گردد.

حسابرسی عبارت است از فرآیند منظم و با قاعده (سیستماتیک) جمع آوری و ارزیابی بی طرفانه شواهد درباره ادعاهای مربوط به فعالیتها و وقایع اقتصادی، به منظور تعیین میزان انطباق این ادعاها با معیارهای از پیش تعیین شده و گزارش نتایج به افراد ذینفع. (نیکخواه آزاد، ۱۳۷۷) بدیهی است، گزارش حسابرسان

متأثر از کیفیت اطلاعات^{xi x} تهیه شده توسط مدیریت در مورد ادعاهای آنها نسبت به وضعیت مالی، نتایج عملیات و جریان وجوه نقد واحدهای تجاری است.

از نظر تئوری نمایندگی، دلیل اصلی وجود حرفه حسابرسی مستقل، وظیفه اعتبار دهی است. اجرای این نقش، حسابرسان را در موقعیت منحصر به فردی در جامعه قرار می‌دهد.

۴- عدم تقارن اطلاعاتی و حسابرسی

حسابرسی، عدم تقارن اطلاعاتی^{xx} بین مدیران و سهامداران را بوسیله اعطای اعتبار به صورتهای مالی کاهش می‌دهد و بنابراین یک شیوه نظارتی مناسبی است که بوسیله شرکتها برای کاهش هزینه‌های نمایندگی بکار می‌رود. هیرست^{xxi} در سال ۱۹۹۴ نشان می‌دهد که حسابرسان نسبت به دستکاری‌های سود که از طریق افزایش یا کاهش اقلام تعهدی درآمد، صورت می‌گیرد حساس هستند و تمایل به کشف انگیزه مدیران از دستکاری سود را دارند. کینی^{xxi i} و مارتین^{xxi i i} در سال ۱۹۹۴، نه مطالعه را بررسی کردند و نتیجه گرفتند که حسابرسی انحراف بالای سودها و خالص داراییها را کاهش می‌دهد. مادامیکه حسابرسی، سودمند در کنترل تصمیمات مدیران است، انتظار می‌رود اثر بخشی اش با کیفیت حسابرسی شرکت متفاوت باشد. دی آنجلو^{xxi v}، کیفیت حسابرسی را بعنوان احتمال کشف و گزارش تحریفات صورتهای مالی تعریف می‌کند. در مقابل کیفیت پایین حسابرسی، کیفیت بالای حسابرسی، به احتمال زیاد منجر به کشف و گزارش تحریفات صورتهای مالی می‌گردد. بنابراین، کیفیت بالای حسابرسی بعنوان یک مانع اثر بخش در دستکاری سود است چرا که اگر اشتباههای گزارش کشف و افشا گردد، احتمال دارد اعتبار مدیران زیر سؤال رفته و ارزش شرکت کاهش یابد.

دی آنجلو بیان می‌نماید که مؤسسات حسابرسی بزرگتر انگیزه بیشتری برای کشف و افشا اشتباههای مدیریت دارند. همچنین مدل دوپچ^{xxv} و سیمونیک^{xxvi} اشاره می‌کند که اندازه مؤسسات حسابرسی، شاخصی برای ارزیابی کیفیت حسابرسی است. جیم بالو^{xxvi i} متوجه می‌شود که اختلاف‌های مشتریان با حسابرسان که ناشی از مدیریت کردن سود می‌باشد، بیشتر زمانی اتفاق می‌افتد که حسابرس شرکتها مؤسسات بزرگ هستند. همچنین تحقیقات بیکر نشان می‌دهد شرکت‌هایی که حسابرسشان مؤسسات حسابرسی کوچک هستند، نسبت به شرکت‌هایی که توسط مؤسسات حسابرسی بزرگ حسابرسی می‌شوند، بطور قابل ملاحظه‌ای اقلام تعهدی بیشتری گزارش کرده و تغییرات بزرگتری در اقلام تعهدی اختیاری دارند.

چو^{xxvii} در سال ۱۹۸۲ بیان کرد که شرکتها به علت تضاد منافع بین مدیران و مالکان تقاضای حسابرسی می‌کنند. در زمانی که اطلاعات صورتهای مالی کافی یا صحیح نمی‌باشند، یکی از اهداف اصلی حسابرسی قرار دادن اطلاعاتی در دسترس مالکان می‌باشد. بنابراین گزارشهای حسابرسی بخش مهمی از فرآیند حسابرسی است، از اینرو گزارش حسابرسی وسیله ای است که حسابرسان برای انتقال نتایج حسابرسی به مالکان استفاده می‌کنند.

از نظر تئوری نمایندگی، حسابرسی مکانیسم کنترلی است که اطمینان معقولی فراهم می‌کند که صورتهای مالی، فاقد اشتباههای با اهمیت هستند و بنابراین از منافع سهامداران حمایت می‌کند. زمانی که منافع مدیریت در تعارض با منافع سهامداران قرار دارد، مدیریت ممکن است برای افزایش

منافع سهامداران تلاشی انجام ندهد. علاوه بر این بدلیل اینکه اغلب پاداش مدیریت بر پایه سود گزارش شده قرار دارد. لذا مدیران برای حداکثر کردن منافع خود انگیزه کافی را برای دستکاری سود گزارش شده دارند.

۵- مروری بر تحقیقات انجام شده

فرانسیس^{xxix} و کریشنان^{xxx} در سال ۱۹۸۶ با بررسی اینکه آیا شرکتهای امریکایی که اقلام تعهدی بالاتری دارند، بخاطر عدم شناسایی داراییهای تحقق یافته و مشکلات تداوم فعالیت، گزارشهای غیرمقبول دریافت می کنند یا خیر؟ نتایج این پژوهش حکایت از آن دارد که حسابرسان بسیار محافظه کار هستند، که به احتمال زیاد علت انتشار گزارشهای غیرمقبول برای شرکتهای با اقلام تعهدی بالا است. (Francis&Krishnan, ۱۹۸۶)

کوشینگ در سال ۱۹۸۸ در تحقیقی تأثیرات تغییر در روشهای حسابداری را بر سود هر سهم در ۶۶۶ گزارش حسابرسی مشروط در سالهای (۱۹۵۵ تا ۱۹۶۶) مورد بررسی قرار داد. با استفاده از میانگین وزنی سود ۴ دوره قبلی، نتیجه گیری کرد که در زمان انجام تغییرات با اهمیت که با مدیریت سود همراه بوده است، شرکتها گزارش حسابرسی مشروط دریافت کرده اند.

چویی^{xxxii} و جتر^{xxxii} در سال ۱۹۹۲ در تحقیقی به این نتیجه می رسند که پاسخدهی بازار به اعلان سود شرکتها، بعد از انتشار گزارش حسابرسی غیرمقبول به شکل با اهمیتی کاهش می یابد. نتایج، این فرضیه را که نوع گزارشهای حسابرسی، پاسخدهی بازار به اعلان سود را بوسیله تغییر درک بازار از نوسان ثبات سود، یا هر دو کاهش می دهد را تأیید می کند. (Choi & Jeter, ۱۹۹۲)

آزمونهای چوی دو^{xxxiii} و آزمونهای رگرسیونهای لاجستیک تک متغیره^{xxxiv} از ۱۶۶ شرکت مشخص با اظهارنظرهای مشروط و ۱۶۶ شرکت همتا با گزارشهای غیرمشروط، نشان دادند که همه مدلها بجز مدل دی آنجلو، در تعیین مدیریت سود موفق هستند. مخصوصاً آزمونهای «چی دو» نشان دادند که نسبتاً تعداد بالایی از شرکتها با اظهارنظر مقبول، نسبت به شرکتهای با گزارشهای مشروط اقلام تعهدی اختیاری پایینتری دارند. رگرسیونهای لاجستیک تک متغیره، همچنین ارتباط معناداری بین اقلام تعهدی اختیاری و احتمال دریافت گزارش مشروط نشان دادند.

دیچو در سال ۱۹۹۴ نقش اقلام تعهدی را بمنظور سنجش بهتر عملکرد شرکتها در یک سری زمانی مورد بررسی قرار داد. بدلیل آنکه اقلام تعهدی نیازمند مفروضات و پیش بینی جریانهای نقدی آتی است، بنابراین کیفیت اقلام تعهدی و سود با افزایش در خطای پیش بینی مقدار اقلام تعهدی غیرعادی کاهش می یابد. در نهایت چنین نتیجه گیری کرد که ویژگیهای هر شرکت همانند قدر مطلق میزان اقلام تعهدی، طول چرخه عملیاتی، انحراف معیار فروش، جریانهای نقدی اقلام تعهدی، سود و اندازه شرکت را می توان به عنوان معیاری برای کیفیت سود بکار گرفت. [۱۷]

دیچو در تحقیقی در سال ۱۹۹۶ به این نتیجه رسید که بین اندازه مؤسسات حسابرسی و نوع گزارشهای حسابرسی شرکتهایی که مدیریت سود داشته و آنهایی که نداشته اند، ارتباط با اهمیتی وجود نداشته است.

نلسون^{xxxv} در سال ۱۹۹۷ در تحقیقی با بررسی ۵۱۵ مورد که مدیران حسابرسی با مدیریت سود مواجه شده‌اند، شواهدی فراهم می‌کند که نشان می‌دهد، مدیران به گونه‌ای سود را مدیریت می‌کنند (حسابرسان از تعدیل تلاشهای مدیریت سود صرف‌نظر می‌کنند) که ساختار معامله مطابق با استانداردهای حسابداری مربوطه باشد. وی به این نتیجه می‌رسد که حسابرسان در مواردی که مدیریت سود بی اهمیت می‌باشد و یا مدیریت سودی که مربوط به مشتریان بزرگشان می‌باشد، صرف‌نظر می‌کنند. در نهایت به این نتیجه می‌رسد که حسابرسان و مدیران مسائل مربوط به مدیریت سود را همواره قبل از انتشار گزارش حسابرسی با توافق طرفین حل می‌کنند. (Nelson et.al., ۱۹۹۷)

در مطالعات بیکر در سال ۱۹۹۸، شواهدی مشاهده گردید که، شرکتهایی که بوسیله مؤسسات بزرگ حسابرسی، حسابرسی می‌شوند نسبت به سایر شرکتهای، اقلام تعهدی غیرعادی کمتری دارند.

تحقیقات فرانسیس در سال ۱۹۹۹ پیش بینی می‌کند، شرکتهایی که تمایل بیشتری به استفاده از اقلام تعهدی نشان می‌دهند، احتمال بیشتری دارد که توسط مؤسسات حسابرسی بزرگ، حسابرسی شوند، و آن شرکتهایی که بوسیله هر یک از مؤسسات بزرگ حسابرسی می‌شوند، اقلام تعهدی اختیاری کمتری دارند، بدلیل آنکه فعالیتهای مدیریت سود کمتری دارند.

بارتو^{xxxvi} در سال ۲۰۰۰ در تحقیقی با بررسی شرکتهایی که، به علت محدودیت در حدود رسیدگی و انحراف از اصول پذیرفته شده حسابداری، گزارشهای حسابرسی غیرمقبول دریافت کرده‌اند، به این نتیجه می‌رسد که گزارشهای حسابرسی غیرمقبول تابعی از قدر مطلق ارزش اقلام تعهدی غیرعادی هستند. (Barton et.al., ۲۰۰۰)

برادشاو^{xxxvi i} در سال ۲۰۰۱ در تحقیقی با بررسی شرکتهایی که هرگز گزارش حسابرسی غیرمقبول نداشته و اقلام تعهدی سرمایه در گردش شان بالا بوده است، به این نتیجه می‌رسد که حسابرسان در اظهارنظر خود توجهی به اقلام تعهدی ندارند. تحقیقات موجود نشان می‌دهند، شرکتهایی که اقلام تعهدی بالایی دارند، به احتمال زیاد در آینده با مشکلات سود آوری مواجه خواهند شد که حسابرسان توجهی به این مشکلات ناشی از اقلام تعهدی بالا نخواهند داشت. (Bradshaw, ۲۰۰۲)

بوتلر^{xxxvi ii} در سال ۲۰۰۲ در تحقیقی با بررسی نمونه بزرگی از شرکتهایی که گزارشهای غیرمقبول در بین سالهای ۱۹۹۴ تا ۱۹۹۹ دریافت کرده‌اند، متوجه شد که ارتباط مثبتی بین گزارشهای غیرمقبول و اقلام تعهدی غیرعادی به علت مشکل تداوم فعالیت وجود دارد. وی در این تحقیق متوجه گردید که این شرکتهای اقلام تعهدی منفی بالایی دارند که از بحرانهای شدید مالی ناشی می‌شود. البته او نتوانست در این تحقیق شواهدی برای حمایت از این دیدگاه که «شرکتهایی که گزارشهای غیرمقبول دریافت می‌کنند، مدیریت سود بیشتری نسبت به شرکتهایی که گزارشهای مقبول دریافت می‌کنند» پیدا کند. (Butler et.al., ۲۰۰۴)

رابرت و هولتسن در سال ۲۰۰۲ در تحقیقی به بررسی شواهدی از واکنش با اهمیت منفی قیمت سهام با نحوه افشای اظهارنظر مشروط حسابرسان می‌پردازد. وی در این تحقیق مشاهده می‌کند که افشای بندهای حسابرسی در رسانه‌های اخبار مالی، وابستگی کمتری به فراوانی بندهای حسابرسی دارند. نتایج مطالعات دیگر تأثیر شدید اظهارنظر مشروط حسابرسان را بر روی قیمت‌های سهام مشاهده نکرده‌اند.

در سال ۲۰۰۱ در تحقیقاتی برادشاو، از منظر استفاده‌کنندگان اطلاعات، گزارشهای غیرمقبول را مورد بررسی قرار داد. از نظر استفاده‌کنندگان اطلاعات، گزارشهای غیرمقبول می‌تواند نشانه‌ای از کیفیت پایین اطلاعات، تعبیر گردد. با این وجود، تأثیری بر نوع اظهارنظر حسابرسان درباره کیفیت درآمد گزارش شده ندارد.

فارینا و ویانا در سال ۲۰۰۶ در تحقیقی با بررسی ۹۱ سال شرکت از فهرست شرکتهای لیژبن، در بین سالهای ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۳، شواهدی همسان با این فرضیه یافتند که ارتباط منفی بین استقلال هیأت مدیره با اظهارنظرهای غیرمقبول، ارتباط منفی وجود دارد. در صورتی که اندازه هیأت مدیره نیز از نظر آماری ارتباط با اهمیتی با نوع اظهارنظر ندارد.

۶- تحقیقات داخلی

تاکنون در داخل کشور تحقیقات فراوانی به بررسی کیفیت سود پرداخته‌اند، از آن جمله می‌توان به شناسایی و تحلیل عوامل مرتبط با ارزیابی کیفیت سود بنگاههای اقتصادی ایران (دکتر ظریف فرد ۱۳۷۸)، بررسی و تبیین رابطه بین کیفیت سود و واکنش بازار به تغییرات سود نقدی (ثقفی و کردستانی در ۱۳۸۳)، بررسی رابطه بین کیفیت سود و هزینه سرمایه (مجیدی ۱۳۸۳)، بررسی ارتباط بین کیفیت سود و بازده سهام با تأکید بر نقش ارقام تعهدی در بورس اوراق بهادار تهران (خواجوی و ناظمی در ۱۳۸۴)، رابطه بین کیفیت سود و بازده سهام (اسماعیلی ۱۳۸۵) و بررسی مدیریت سود در شرکتهای پذیرفته شده در بورس تهران (سحر سپاسی ۱۳۸۴)، لیکن تا بحال ارتباط بین نوع اظهارنظر حسابرسان و کیفیت سود تعهدی مورد بررسی قرار نگرفته است.

۷- فرضیه‌های تحقیق

اگر سهامداران، درباره اقدامات مدیران اطلاعات کامل داشته باشند، عدم تقارن اطلاعاتی بین این دو گروه وجود نخواهد داشت. عدم تقارن اطلاعاتی، زمانی بوجود می‌آید که اطلاعات کامل در اختیار مالکان وجود ندارد و این همان فرض تئوری نمایندگی است (فاما^{xxxix} در سال ۱۹۸۰). بدلیل وجود عدم تقارن اطلاعاتی، سهامداران توانایی کمتری برای کشف مدیریت سود دارند. حسابرسی، یک مکانیسم کنترلی است زیرا به سهامداران برای جمع‌آوری اطلاعات قابل اتکا کمک کرده و عدم تقارن اطلاعاتی را کاهش می‌دهد و کاهش در عدم تقارن اطلاعاتی نشانه کیفیت بالای حسابرسی است (اسچویر^{xl} ۲۰۰۱). حسابرسان، از طریق فراهم کردن اطمینان معقولی نسبت به اینکه صورتهای مالی فاقد اشتباههای با اهمیت است، عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و سهامداران را کاهش می‌دهند (تحقیقات بیکر در سال ۱۹۹۸). به احتمال زیاد کیفیت بالای حسابرسی بایستی به موفقیت در کشف و جلوگیری از مدیریت سود منجر شود. بنابراین، سطوح بالاتر کیفیت حسابرسی باید مرتبط با سطوح پایین تر مدیریت سود باشند.

از آنجایی که سود یکی از اقلام با اهمیت برای سرمایه‌گذاران می‌باشد و کیفیت سود نیز می‌تواند بر نحوه گزارشگری شرکتهای تأثیرگذار باشد، لذا وظیفه اعتباردهی حسابرسان سبب می‌شود که حسابرسان در گزارشگری خود به کیفیت سود گزارش شده توجه نمایند. لذا کشف مدیریت سود

توسط حسابرسان احتمال صدور گزارش غیرمقبول را افزایش می‌دهد. با توجه به تئوری‌های موجود و پیشینه تحقیق فرضیاتی به شرح زیر پیشنهاد گردیده است:

۱- بین نحوه گزارشگری حسابرسان با کیفیت سود (اقلام تعهدی غیرعادی شرکتها) رابطه معناداری وجود دارد.

۲- ویژگیهای شرکتی بر رابطه بین کیفیت سود (اقلام تعهدی غیرعادی شرکتها) و نحوه گزارشگری حسابرسان تأثیر دارد.

۸- روش تحقیق

این تحقیق از نظر استدلال قیاسی- استقرایی و از نظر گردآوری داده‌ها، تحقیقی توصیفی، پس رویدادی^{xli} است و مبتنی بر اطلاعات واقعی در صورتهای مالی شرکتها می‌باشد. همچنین از نظر هدف تحقیقی توسعه‌ای می‌باشد. در این تحقیق از روشهای تحلیل رگرسیون و همبستگی و آزمون F و T برای آزمون فرضیات استفاده خواهد شد.

۹- جامعه و نمونه آماری

بمنظور انجام این تحقیق، از روش نمونه‌گیری طبقه‌بندی تصادفی جهت انتخاب نمونه آماری از شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بین سالهای ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۷ استفاده شده است. این جامعه آماری شامل شرکتهایی خواهد بود که مجموعه شرایط زیر را داشته باشند:

۱. طی سالهای مالی یاد شده تغییر فعالیت یا تغییر سال مالی نداده باشند.
۲. جزو بانکها و مؤسسات مالی (شرکتهای سرمایه‌گذاری، واسطه‌گری مالی، شرکتهای هلدینگ، بانکها و لیزینگها) نباشند، زیرا کمتر از طریق اقلام تعهدی به مدیریت سود می‌پردازند.
۳. سال مالی تمامی شرکتهای پایان اسفند ماه باشد.
۴. سال پذیرش آنها قبل از سال ۱۳۸۳ باشد.

تعداد کل اعضای جامعه در هر سال ۱۸۵ شرکت بوده است که با استفاده از روش نمونه‌گیری ذیل، ۱۲۵ شرکت در هر سال بعنوان نمونه انتخاب گردیده است.

فرمول (۱)

$$n = \frac{N * Z_{\alpha/\gamma}^2 * P_0 (1 - P_0)}{(N - 1) * \epsilon^2 + Z_{\alpha/\gamma}^2 * P_0 (1 - P_0)}$$

۱۰- نحوه اندازه‌گیری متغیرهای تحقیق

ما برای آزمون فرضیه اول این تحقیق، رابطه بین نوع گزارشگری حسابرسان و اقلام تعهدی غیرعادی، از مدل رگرسیون زیر استفاده می‌کنیم:

فرمول (۲)

$$|MABTAC|_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 Magb_{i,t} + \beta_2 Magt_{i,t} + \beta_3 Mash_{i,t} + \beta_4 Mast_{i,t} + \beta_5 Adam_{i,t} + \epsilon_{i,t}$$

در این تحقیق متغیرهای مستقل به شرح زیر تعریف می‌شوند:

Magb: اگر اظهارنظر مقبول با بند توضیحی در خصوص بیان مشکلاتی باشد که تأثیر با اهمیتی بر صورتهای مالی نداشته باشد، یک و در غیراین صورت صفر است.

Magt: اگر اظهارنظر مقبول با بند توضیحی در خصوص بیان مشکل تداوم فعالیت، ورشکستگی یا موارد عدم قطعیت باشد، یک و در غیراین صورت صفر است.

Mash: اگر اظهارنظر مشروط بخاطر محدودیت در حدود رسیدگی و یا انحراف از اصول باشد، یک و در غیراین صورت صفر است.

Mast: اگر اظهارنظر مشروط بخاطر محدودیت در حدود رسیدگی و یا انحراف از اصول به همراه بندی در خصوص بیان مشکل تداوم فعالیت، ورشکستگی یا موارد عدم قطعیت باشد، یک و در غیراین صورت صفر است.

Adam: اگر اظهارنظر بخاطر محدودیت اساسی در حدود رسیدگی و یا انحراف از اصول به همراه بندی در خصوص بیان مشکل تداوم فعالیت، ورشکستگی یا موارد عدم قطعیت باشد، یک و در غیراین صورت صفر است.

متغیروابسته این تحقیق اقلام تعهدی غیرعادی می‌باشند که به شرح زیر تعریف و اندازه‌گیری می‌شوند:

Abnormal Accruals (MABTAC): تفاوت بین اقلام تعهدی واقعی و اقلام تعهدی برآوردی ما در این تحقیق برای محاسبه اقلام تعهدی غیرعادی از مدل جونز^{xlii} در سال ۱۹۹۱، استفاده می‌کنیم:

فرمول (۳)

$$totalAccruals_{i,t} = \alpha_0 + \alpha_1 \Delta Sales_{i,t} + \alpha_2 PPE_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad (\text{مدل جونز})$$

ابتدا با استفاده از مدل فوق ضرایب متغیرهای فوق بصورت مقطعی جهت هر سال برای کل شرکتهای برآورد شده و با قرار دادن ضرایب برآوردی بدست آمده در مدل جونز اقلام تعهدی کل برای هر شرکت در هر سال برآورد می‌شود و سپس با مقایسه اقلام تعهدی واقعی با اقلام تعهدی برآوردی، اقلام تعهدی غیرعادی محاسبه می‌گردند.

Total Accruals (TAC): سود قبل از اقلام غیرمترقبه و فعالیت‌های متوقف شده بعد از کسر گردش وجوه نقد عملیاتی تقسیم بر کل داراییها در ابتدای دوره

$\Delta Sales$: تغییرات فروش از سال $t-1$ به سال t تقسیم بر کل داراییها در ابتدای دوره

PPE: خالص اموال، ماشین آلات و تجهیزات در سال t تقسیم بر کل داراییها در ابتدای دوره متغیرهای مستقل این معادله عبارتند از: مجموع اقلام تعهدی (TA)، تغییرات فروش (ΔS) و خالص اموال، ماشین آلات و تجهیزات (PPE) و متغیروابسته، اقلام تعهدی غیرعادی می‌باشد. برای استانداردسازی متغیرها، متغیرهای فوق بر کل داراییهای ابتدای دوره تقسیم می‌شوند.

برای آزمون فرضیه دوم تحقیق، یعنی ارتباط بین ویژگیهای شرکتی بر کیفیت سود و نحوه گزارشگری حسابرسان نیز از رگرسیون زیر استفاده کرده ایم.

فرمول ۴)

$$|AbnormalAccruals|_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 MktCap_{i,t} + \beta_2 Book/Mkt_{i,t} + \beta_3 ROA_{i,t} + \beta_4 ROA_{i,t}^2 + \beta_5 Debt/Assets_{i,t} + \beta_6 CurrRatio_{i,t} + \beta_7 Audit Firm_{i,t} + \beta_8 Magb_{i,t} + \beta_9 Magt_{i,t} + \beta_{10} Mash_{i,t} + \beta_{11} Mast_{i,t} + \beta_{12} Adam_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

در رگرسیون فوق متغیرهای مداخله گر (مثل: ارزش بازار سهام، ارزش دفتری به بازار، بازده دارایی، نسبت‌های اهرمی و نوع حسابرسان شرکت) برای بررسی ویژگیهای شرکتی بر نحوه ارتباط بین گزارشگری حسابرسان و اقلام تعهدی غیرعادی مورد بررسی قرار گرفته است.

MktCap: لگاریتم ارزش بازار حقوق صاحبان سهام

Book/Mkt: ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام تقسیم بر ارزش بازار آن

ROA: درآمد قبل از اقلام غیرمترقبه تقسیم بر کل داراییها در ابتدای دوره

ROA^۲: مجذور *ROA*

Debt/Assets: بدهیهای بلندمدت تقسیم بر کل داراییها در ابتدای دوره

CurrRatio: داراییهای جاری تقسیم بر بدهیهای جاری

Audit Firm: اگر سازمان حسابرسان، حسابرسان شرکت باشد یک در غیراین صورت صفر است.

۱۱- آزمون فرضیه‌های تحقیق

روش آزمون فرضیه‌های تحقیق، رگرسیون خطی و هم بستگی است که معادلات رگرسیونی همان معادلات فوق هستند.

در جدول شماره ۱، به بررسی میانگین و میانه متغیرها در نمونه‌ها با توجه به نوع اظهارنظرها پرداخته‌ایم.

با توجه به نتایج نگاره شماره ۱، مشاهده می‌گردد که میانگین اقلام تعهدی غیرعادی در بین شرکتهایی که گزارشهای مشروط با بند توضیحی در خصوص تداوم فعالیت و گزارشهای عدم اظهارنظر دریافت می‌نمایند بالاتر از سایر شرکتها می‌باشد. همچنین با توجه به منفی بودن نشان می‌دهد که این شرکتها اقلام تعهدی منفی بالاتری دارند. این شرکتها دارای ارزش بازار به دفتری پایین تری هستند که ناشی از زیان بیش از اندازه این شرکتها می‌باشد که وضعیت مناسبی در بازار نداشته لذا قیمت پایین تری از ارزش دفتری دارند. سایر متغیرهای این شرکتها نیز نسبت به شرکتها دیگر مقدار کمتری می‌باشد.

جدول ۱- میانگین و میانه متغیرها در نمونه‌ها با توجه به اظهارنظرها

مقبول	مقبول با بند توضیحی	مقبول با بند توضیحی	مقبول با بند توضیحی	مقبول با بند توضیحی	مقبول با بند توضیحی	مقبول با بند توضیحی
کل اقلام تعهدی	میانگین	۰/۰۷۴	۰/۰۵۷	- ۰/۰۸۷	۰/۰۵۶	- ۰/۰۹۶
						- ۰/۰۸۸

میانه	۰/۰۶۳	۰/۰۴۹	۰/۰۸۷	۰/۰۴۲	۰/۰۹۹	۰/۱۴۵
میانگین	۰/۰۳۷	۰/۰۳۴	۰/۰۶۷	۰/۰۲۲	۰/۱۰۲	۰/۰۹۸
میانه	۰/۰۲۳	۰/۰۵۴	۰/۰۶۷	۰/۰۱۵	۰/۰۹۲	۰/۱۴۸
میانگین	۵/۴۸۱	۵/۴۲۵	۴/۹۳۷	۵/۲۸	۴/۶۲۸	۴/۴۵۹
میانه	۵/۴۷۹	۵/۳۹۸	۴/۹۳۷	۵/۱۹۴	۴/۷۷۸	۴/۵۳۴
میانگین	۰/۴۲۵	۰/۶۱۷	۰/۵۲۲	۰/۵۹۲	۱/۹۰۹	۱/۹۴۸
میانه	۰/۲۹	۰/۴۶۵	۰/۵۲۲	۰/۴۳۹	۰/۶۷	۱/۸۹۳
میانگین	۰/۹۸۱	۰/۹۲۶	۰/۷۷۱	۱/۰۳۷	۰/۷	۰/۶۶۶
میانه	۱/۰۰۲	۰/۹۰۱	۰/۷۷۱	۰/۹۴۹	۰/۶۳۵	۰/۶۴۴
میانگین	۱/۱۱۸	۱/۰۱۲	۰/۶۲۳	۱/۶۰۲	۰/۵۸۵	۰/۵۰۵
میانه	۱/۰۰۵	۰/۸۱۱	۰/۶۲۳	۰/۸۹۸	۰/۴۰۳	۰/۴۲
میانگین	۰/۱۲۹	۰/۱۴۴	۰/۰۸۸	۱/۴۲۹	۰/۱۸۷	۰/۱۶۵
میانه	۰/۰۷۱	۰/۰۶۲	۰/۰۸۸	۰/۰۷۵	۰/۱۳۵	۰/۱۵۹
میانگین	۱/۲۴۲	۱/۱۲۵	۰/۹۱۷	۱/۱۵۲	۰/۶۵۱	۰/۵۹۱
میانه	۱/۱۱۱	۱/۰۹۵	۰/۹۱۷	۱/۰۷۴	۰/۶۲	۰/۶۲۱
میانگین	۶۸۹.۲۲۰	۲.۳۵۶.۸۳۸	۳۰۷.۰۰۰	۱.۱۳۱.۲۲۲	۱۶۴.۷۵۱	۱۵۴.۳۸۲
میانه	۲۶۳.۷۳۵	۳۵۸.۸۳۱	۳۰۷.۰۰۰	۲۴۶.۹۱۵	۱۲۱.۲۴۶	۱۵۲.۵۱۸
میانگین	۰/۴۶۵	۰/۴۷۶	۰/۵	۰/۳	۰/۲۱	۰/۵
نمونه ۶۲۵ شرکت	۱۰۱	۴۲	۲	۴۱۰	۶۶	۴

فرضیه مقدماتی تحقیق به بررسی وجود رابطه بین کیفیت سود گزارش شده (اقلام تعهدی غیرعادی) و اظهارنظر حسابرسان در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌پردازد و برای آزمون این مطلب، فرضیه صفر و یک به صورت زیر تعریف شده است:

H_0 : رابطه معناداری بین کیفیت سود گزارش شده (اقلام تعهدی غیرعادی) و اظهارنظر حسابرسان

در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس وجود ندارد. $H_0: \beta = 0$

H_{11} : رابطه معناداری بین کیفیت سود گزارش شده (اقلام تعهدی غیرعادی) و اظهارنظر حسابرسان

در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس وجود دارد. $H_1: \beta \neq 0$

که B_i ضرایب متغیرهای مستقل رگرسیون چند متغیره می‌باشد.

(فرمول ۵)

$$|MABTAC|_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 Magb_{i,t} + \beta_2 Magt_{i,t} + \beta_3 Mash_{i,t} + \beta_4 Mast_{i,t} + \beta_5 Adam_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

جدول ۲- نتایج آماره t برای متغیرها

متغیر توضیحی	ضریب	آماره t	P-Value
ضریب ثابت	۰.۱۲۶۰۴۱	۱۰.۳۶۲۵۹	۰.۰۰۰
مقبول با بند توضیحی	-۰.۰۱۸۸۴	-۰.۸۳۹۵۳	۰.۴۰۱۵
مقبول با بند تداوم فعالیت	-۰.۰۲۶۶۲	-۰.۳۰۴۹۵	۰.۷۶۰۵
مشروط	-۰.۰۱۴۱۵	-۱.۰۴۱۹۸	۰.۲۹۷۸
مشروط با بند توضیحی تداوم فعالیت	۰.۰۴۴۴۱۶	۲.۲۹۵۶۸۲	۰.۰۲۲
عدم اظهارنظر	۰.۱۲۰۱۴۵	۱.۹۲۷۹۵۸	۰.۰۵۴۳
آماره F	۳.۶۰۸۸۸۵	---	۰.۰۰۳۱۶۸
آماره دوربین واتسن	۱.۵۴۷۴۶۲	---	---

---	---	۰.۰۲۰۴۷۶	R^2 تعدیل شده (ضریب همبستگی)
-----	-----	----------	--------------------------------

اعتبار آماری کل رگرسیون با ضریب F سنجش می شود که همان طور که در جدول شماره ۲ ملاحظه می شود، ضریب F نشان دهنده عدد ۳.۶۰۸ است که با توجه به عدد معناداری (Prob.) این متغیر که نشان دهنده رابطه $0.05 < 0.003168$ می باشد، کل رگرسیون از اعتبار آماری لازم برخوردار می باشد. در مرحله بعد، اثر تک تک متغیرهای مستقل بر متغیروابسته MABTAC سنجیده می شود. ضرایب آزمون t و عدد معناداری (Prob.) تک تک متغیرها نشانگر این مطلب است که متغیرمستقل MAST و ضریب ثابت C از اعتبار آماری برخوردارند. چراکه عدد معناداری این متغیر از سطح معناداری ۰.۰۵ کوچکتر می باشد. لذا فرضیه H_{01} رد شده و در نتیجه فرضیه H_{11} تایید می شود. در ضمن مقدار ضریب تعیین مدل (Adjusted R-squared) برابر با ۰.۰۲۰۴ می باشد که نشان دهنده این موضوع است که ۲.۰۴ درصد از تغییرات MABTAC توسط این عوامل تبیین می شوند. در مورد عدد دوربین واتسون (۱.۵۴۷) باید گفت که مقدار این شاخص نشاندهنده عدم خود همبستگی در بین متغیرها می باشد.

برای آزمون فرضیه دوم، فرضیه صفر و یک به صورت زیر تعریف شده است:

H_{01} : (ویژگیهای شرکتی بر رابطه بین کیفیت سود (اقلام تعهدی غیرعادی شرکتها) و نحوه گزارشگری حسابرسان تأثیر معناداری ندارد. $H_0: \beta = 0$)

H_{11} : (ویژگیهای شرکتی بر رابطه بین کیفیت سود (اقلام تعهدی غیرعادی شرکتها) و نحوه گزارشگری حسابرسان تأثیر معناداری دارد. $H_1: \beta \neq 0$)

نگاره شماره ۳ بیان کننده نتایج رگرسیون، آزمون فرضیه دوم می باشد. همانطور که مشاهده می گردد با ورود متغیرهای ویژگی شرکتی، با توجه به P-Value آزمون F، رگرسیون ذیل از اعتبار آماری برخوردار می باشد و باز مشاهده می شود که در سطح اطمینان ۹۵ درصد، ارتباط معناداری بین اظهارنظرهای مشروط با بند توضیحی در خصوص تداوم فعالیت و اقلام تعهدی غیرعادی وجود دارد که نشاندهنده این موضوع می باشد که ویژگیهای شرکتی تأثیری بر نوع ارتباط بین اقلام تعهدی و نوع اظهارنظر ندارد و تنها میزان همبستگی (مقدار ۰.۰۸۱۶) کمی قویتر شده است. با توجه به مقدار دوربین واتسن ۲.۱۳۲۵ مشکل خود همبستگی در بین متغیرها نیز وجود ندارد. در ضمن با توجه به مقادیر P-Value آزمون t، ارتباط معناداری بین ارزش دفتری به بازار، ROA، ROA^* و نسبت بدهیهای بلندمدت به داراییها با اقلام تعهدی غیرعادی وجود دارد.

فرمول (۶)

$$|AbnormalAccruals|_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 MktCap_{i,t} + \beta_2 Book/Mkt_{i,t} + \beta_3 ROA_{i,t} + \beta_4$$

$$ROA_{i,t} + \beta_5 Debt/Assets_{i,t} + \beta_6 CurrRatio_{i,t} + \beta_7 Audit Firm_{i,t} + \beta_8 Magb_{i,t} + \beta_9 Magt_{i,t} + \beta_{10}$$

$$Mash_{i,t} + \beta_{11} Mast_{i,t} + \beta_{12} Adam_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

جدول ۳- نتایج آماره t برای متغیرهای تحقیق

متغیر توضیحی	ضریب	آماره t	P-Value
ضریب ثابت	-۰.۰۹۲۲۹	-۱.۳۴۲۳۶	۰.۱۸
لگاریتم ارزش بازار	۰.۰۱۳۷۲۸	۱.۲۰۵۱۰۸	۰.۲۲۸۶
ارزش دفتری به بازار	۰.۰۱۲۳۷۸	۲.۴۸۳۰۵۵	۰.۰۱۳۳
ROA	۰.۰۴۹۴۴۸	۲.۰۵۴۳۱۲	۰.۰۴۰۴
ROA^2	-۰.۰۱۵۵۹	-۳.۱۹۴۸۶	۰.۰۰۱۵
بدهیهای بلندمدت به داراییهای ثابت	-۰.۱۰۶۳۹	-۲.۰۰۹۸۲	۰.۰۴۴۹
نسبت جاری	۰.۰۲۰۲۲۲	۱.۸۷۶۸۳	۰.۰۶۱
داراییها	E-۱۰۴.۶۸	۰.۲۹۳۵۰۶	۰.۷۶۹۲
مؤسسه حسابرسی	۰.۰۱۲۹۳۱	۰.۸۷۰۱۵۳	۰.۳۸۴۶
مقبول با بند توضیحی	-۰.۰۰۰۷۶	-۰.۰۲۴۷۴	۰.۹۸۰۳
مقبول با بند تداوم فعالیت	-۰.۰۹۳۳۴	-۰.۷۸۸۷۶	۰.۴۳۰۶
مشروط	-۰.۰۱۰۷۸	-۰.۵۷۴۲۱	۰.۵۶۶
مشروط با بند توضیحی تداوم فعالیت	-۰.۰۷۰۹۶	-۲.۲۶۱۸۲	۰.۰۲۴۱
عدم اظهارنظر	-۰.۰۶۸۶۷	-۰.۷۹۴۵۳	۰.۴۲۷۲
آماره F	۵.۲۷۰۳۸۸	---	۰.۰۰۰۰
آماره دوربین واتسن	۲.۱۳۲۵۱۲	---	---
R^2 تعدیل شده (ضریب همبستگی)	۰.۰۸۱۶۹۸	---	---

۱۲- نتایج تحقیق

با توجه به تجزیه و تحلیل داده‌ها، مشاهده می‌گردد که ارتباط معناداری بین اقلام تعهدی غیرعادی و اظهارنظر مشروط با بند توضیحی در خصوص تداوم فعالیت وجود داشته است، لیکن همبستگی قوی در بین متغیرها وجود نداشته است. همچنین ویژگیهای شرکتی تأثیری بر نوع این ارتباط نداشته و تنها همبستگی بین متغیرها را بیشتر می‌نماید. نتایج این تحقیق همسان با نتایج تحقیقات بوتلر در سال ۲۰۰۴ می‌باشد، او نیز ارتباط معناداری در بین اقلام تعهدی غیرعادی و اظهارنظرهایی که بند تداوم فعالیت در آنها مطرح شده است، مشاهده نمود. لازم بذکر است که ضریب همبستگی R^2 نیز در تحقیقات وی پایین بوده است (۰.۸/۲) که نشان از ضعیف بودن همبستگی بین متغیرها دارد. همچنین مشاهده گردید که شرکتهایی که گزارشهای مشروط با بند توضیحی در خصوص تداوم فعالیت دریافت می‌نمایند، اقلام تعهدی غیرعادی منفی بالاتری نسبت به سایر شرکتها دارند.

۱۳- محدودیت‌های تحقیق

محدودیت‌ها و مشکلاتی که در اجرای این تحقیق وجود داشتند و در تعبیر و تفسیر نتایج باید مورد ملاحظه قرارگیرند به شرح زیر است:

۱. با توجه به محدودبودن جامعه آماری به شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران که سال مالی آنها پایان اسفند ماه است، تسری نتایج به سایر شرکتهای باید با احتیاط انجام شود.
۲. با توجه به ناقص بودن اطلاعات برخی از شرکتهای جامعه در طی دوره مورد بررسی، بمنظور جلوگیری از انحراف در نتایج اطلاعات از جامعه آماری کنار گذاشته شده‌اند.

۱۴- پیشنهادات

با توجه به وجود ارتباط مثبتی در بین اقلام تعهدی غیرعادی با اظهارنظرهای مشروط با بند توضیحی در خصوص تداوم فعالیت، به نظر می‌رسد که بررسی عوامل زیر می‌تواند باعث بهبود کیفیت اطلاعات ارائه شده به سرمایه‌گذاران گردد:

۱. بررسی اینکه آیا شرکتهایی که گزارشهای مشروط با بند توضیحی در خصوص تداوم فعالیت دریافت نموده‌اند، نمونه‌ای از مدیریت سود نیز در این شرکتهای مشاهده گردیده است؟
۲. بررسی عواملی که منجر به مشکل تداوم فعالیت در این شرکتهای و صدور گزارش مشروط با بند توضیحی در خصوص تداوم فعالیت گردیده است.

۱۵- منابع و مآخذ

۱. نیکخواه آزاد، علی (۱۳۷۷)، *بیانیه مفاهیم بنیادی حسابرسی*، تهران، سازمان حسابرسی.
۲. ارباب سلیمانی، عباس ونظری، محمود (۱۳۷۸). *اصول حسابرسی*، جلد اول، تهران، سازمان حسابرسی، چاپ ششم.
۳. ثقفی، علی، کردستانی، غلامرضا (۱۳۸۳)، «بررسی و تبیین رابطه بین کیفیت سود و واکنش بازار به تغییرات سود نقدی»، *فصلنامه بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۳۷، ص ۵۶.
۴. عرب مازار یزدی، محمد، مشایخی، بیتا، رفیعی، افسانه، (۱۳۸۵)، «محتوای اطلاعاتی جریانهای نقدی و تعهدی در بازار سرمایه ایران»، *فصلنامه بررسی‌های حسابرسی و حسابداری*، شماره ۴۳، ص ۹۹ - ۱۱۸.
۵. مشایخی، شهناز و اسماعیلی، مریم (۱۳۸۵)، «بررسی رابطه بین کیفیت سود و برخی از جنبه‌های اصول راهبردی در شرکتهای پذیرفته شده در بورس تهران»، *فصلنامه بررسی‌های حسابرسی و حسابداری*، شماره ۴۵، ص ۴۴ - ۲۵.
۶. Archibald, T.R. (۱۹۶۷). "The return to straight line depreciation: An analysis of a change in accounting methods". *Empirical Research in Accounting: Selected Studies*. pp.۱۶۴-۸۰.
۷. Barefield, R.M. and E.E. Domiskey. (۱۹۷۲). "The smoothing hypothesis: An alternative test". *The Accounting Review*. (April):pp. ۲۹۱-۲۹۸.

8. Beidleman, C.R. (1973). "Income smoothing: The role of Management". *The Accounting Review* (October):pp. 653-667.
9. Healy. (1985). "The effect of bonus schemes on accounting decisions". *Journal of Accounting and Economics* (April):pp.851-87.
10. Francis, J. and Krishnan, J. 1986. Accounting accruals and auditor reporting conservatism. *Contemporary Accounting Research* 16 , pp. 135-165.
11. Jones, J. (1991). "Earnings management during import relief investigations". *Journal of Accounting Research*.29. pp. 93-228.
12. Choi , S. and Jeter, D., 1992. The effects of qualified audit opinions on earnings response coefficients. *Journal of Accounting and Economics* 15, pp. 229-247
- 13- Nelson, M, Elliott, J. and Tarpley, R, 1997. Evidence from auditors about managers' and auditors' earnings management decisions. *The Accounting Review* 77, pp. 175-202
14. Bartov, E., Gul, F. and Tsui, J, 2001. Discretionary-accruals models and audit qualifications. *Journal of Accounting and Economics* 31, pp. 411-452
15. Bradshaw, M, Richardson, S. and Sloan, R., 2001. Do analysts and auditors use information in accruals?. *Journal of Accounting Research* 39, pp. 45-74
16. McNichals, M. (2002). " Dissussion of the quality of accruals and earnings : the role of accrual estimation errors",77 , *The accounting review* ,pp. 61-69.
17. Dichow, P. and I. Dichev (2002). "The quality of accruals and earnings : the role of accrual estimation errors". *The accounting review* , 77 , 35-59.
18. Butler, M, Leone, A., Willenborg, M., (2004). An empirical analysis of auditor reporting and its association with abnormal accruals. *Journal of Accounting & Economics* 37, 139-165.
19. Stolowy, H ,& Bereton, G (2004) , "A Framework for the Classification of Accounts Manipulation" , *International Journal of Accounting* , June.
20. Chan, K, Chan, L, Jegadeesh, N. and J. Lakonishok (2006). "earnings quality and stock returns" , *Journal of business*, forthcoming.

-
- i. Manipulation
 - ii. Earning Manipulation
 - iii. Accrual
 - iv. Accounting Accrual
 - v. Modified Opinion
 - vi. Timing
 - vii. Mathing
 - viii. Realization & Matching
 - ix. Persistence of earnings
 - x. Accruals
 - xi. Chan
 - xii. Macnicholas

xiii. Elitzur
xiv. Yaari
xv. Nondiscretionary accruals
xvi. Innate accruals
xvii. Discretionary accruals
xviii. Agency Theory
xix. Information quality
xx. Information asymmetries Hypothesis
xxi. Hirst
xxii. Kinney
xxiii. Martin
xxiv. DeAngelo
xxv. Dopuch
xxvi. Simunic
xxvii. Jambalvo
xxviii. Chow
xxix. Francis
xxx. Krishnan
xxxi. Choi& Jeter, 1992
xxxii. Jeter
xxxiii. Chi – Square tests
xxxiv. Univariate regression tests
xxxv. Nelson
xxxvi. Bartov
xxxvii. Bradshaw
xxxviii. Butler
xxxix. Fama
xl. Schauer
xli. Expost factor
xlii. Jones